

ادامه از صفحه اول

سودوزیان تهدید آمریکا علیه ایران

غرب، به‌ویژه آمریکا، نمی‌تواند با اشباع‌شدن نیازهای تسلیحاتی خود، صنایع تسلیحاتی‌شان را جمع و از رده خارج کند. در فرایند تولید و مصرف اسلحه، سلاح‌های کهنه‌تر از ردیف مصرف خارج و انبار می‌شوند؛ پس چه بهتر که بتوان آنها را فروخت. چه کسانی خریدار این سلاح‌ها هستند؟ کشورهای همجوارِی که با هم اختلاف دارند. هرچه اختلاف در منطقه بالاتر برود و به تشنج تبدیل شود، شانس فروش سلاح به کشورهای دیگر روابط متشنج افزایش می‌یابد؛ کمابینکه دولت ترامپ با همه انتقادهای روزافزونی که به آن می‌شود، در افزایش سطح اشتغال در آمریکا موفق‌تر از دولت‌های پیشین عمل کرده است. سوم اینکه تنش‌های منطقه که در نهایت منجر به جنگ و زدوخورد می‌شود، زمینه را به‌تدریج برای برنامه‌های غول‌آسای بازسازی فراهم می‌آورد. اینکه «من چه گفتم و او چه پاسخ داد»، اینها همه حرف است. بازسازی یک کشور مانند سوریه یعنی تبدیل شهرهای آن با ساختمان‌های سنتی حداکثر سه، چهار طبقه به شهرهایی پر از برج‌های بلند مانند کویت و دوحی. تخریب یا نابودی این شهرها همان روندی را طی می‌کند که برای بازسازی خانه‌ای کلنگی آن را تخریب کرده و سپس برچی را جاشین آن کنند. اکنون همه شهرهای خاورمیانه در چنین حالت بالقوه‌ای قرار دارند. کشورهای غربی (و رقیای شرقی آنها مانند روسیه و چین و ژاپن) عاشق چنین وضعیتی برای گسترش منافع ساختمانی و تولید مصالح هستند. پس هر جنگ و تخریبی به سود کشورهای صنعتی خواهد بود.

اینکه چرا آمریکا ششایی در به‌راه‌انداختن درگیری ندارد و بیشتر به ایجاد تنش اکتفا می‌کند، شاید این باشد که اگر آمریکا جنگ را آغاز کند، ایران به‌جای مقابله مستقیم، دوستان آمریکا را هدف حملات خود قرار دهد. آمریکا به‌لحاظ تکنولوژی در سطح بالایی قرار دارد و ایران احتمالا بیشتر از تکنیک جنگ و گریز و نبرد نامتقارن به آمریکا پاسخ دهد، اما درعین‌حال می‌تواند دردسر زیادی برای متحدان آمریکا در منطقه ایجاد کند. آمریکا این خطر بالقوه را درک می‌کند.

مهم‌ترین نکته‌ای که در همه این فرایندها به ظرافت و سیاست‌بازی از بید به دور مانده، مربوط به صنعت نفت و گاز و مشتقات آنهاست. آمریکایی‌ها طوری وانمود می‌کنند که صنایع هیدروکربوری ثروت اصلی، پایدار و روبه‌پیشرفت کشورهای خاورمیانه است. این نکته در کلیات و درحال‌حاضر نه‌تنها کشورهای نفت و گاز خیز خاورمیانه را فریفته است، بلکه تداوم پیشرفت در این زمینه را به آرزوهای رهبران کشورهای نفت و گاز خیز تبدیل کرده است. نماد این رؤیا را می‌توان در سرمایه‌گذاری‌های فزاینده این کشورها در استخراج، تصفیه و بهره‌برداری از مشتقات این منابع انرژی در خاورمیانه مشاهده کرد. در این راستا، کشورهای نفت‌خیز به‌صورت روزافزون به ساخت صنایع تبدیلی و نفت و گاز مشغول‌اند و نفت و گاز را هنوز یک موهبت خدادادی می‌پندارند.

نگارنده ۱۳ سال پیش به درخواست سازمان برنامه‌کتابی را با عنوان «پایان نفت» با حجم بالای ۵۰۰ صفحه به فارسی برگرداندم که توسط انتشارات همان سازمان منتشر و برنده جایزه فصل شد. پال رابرتز، نویسنده کتاب، توضیح می‌دهد که مخازن نفت و گاز خاورمیانه - به‌ویژه عربستان سعودی - رو به تهی‌شدن است و به چند دلیل سرمایه‌گذاری در این صنعت اگرچه در کوتاه‌مدت سودآور است در نیمه راه استلک سرمایه‌گذاری، به دلیل گرمایش و آلودگی جو زمین، استفاده از نفت و گاز در جهان متوقف خواهد شد. اگرچه این کتاب از سوی بالاترین سازمان برنامه‌ریزی کشور منتشر شد، نه‌تنها مسئولان امر آن طور که باید از آن درسی نگرفتند بلکه از آن تاریخ تاکنون وابستگی ایران به نفت و گاز صادراتی، افزایش نفت‌تاجایی‌که در تنش‌های اخیر خاورمیانه و با زور آمریکا صدور نفت و گاز از ایران ممنوع شده و به دلیل اتکای بیش‌از‌حد دولت به درآمد این صنعت، اقتصاد ایران دچار بحران شده است. هنوز هم که هنوز است از میان بردن موانع صادراتی نفت به دلیل کاهش درآمد ارزی جزئی از آمال دولت است.

خواننده محترم باید توجه کند چرا اقدامات کشورهای جهان و سازمان ملل در کنفرانس ویمان کیوتو و سپس توافق پاریس تاکنون از حمایت آمریکا برخوردار نشده است. دلیل اصلی این است که از دید صاحبان صنایع هیدروکربوری، سرمایه‌گذاری در صنایع ذغال سنگ و نفت در آمریکا - از استخراج گرفته تا تصفیه و مصرف- هنوز مستهلک نشده تا بتوان به توسعه انرژی‌های جایگزین مناسب از دید زیست‌محیطی مانند خورشیدی و باد و... پرداخت. افزون‌بر‌آن، استخراج و به‌کارگیری انرژی‌های نو در جهان هنوز به پایای نرسیده که بتوان آن مصرف نفت و گاز و مشتقات آنها جلوگیری کرد. شمار مشاغل انسانی در این صنعت در سراسر جهان چنان زیاد است که توقف ناگهانی این صنایع موجب بی‌کاری میلیون‌ها نفر در جهان خواهد شد.

ادامه در صفحه ۴

سعید حجاریان چندی پیش در یادداشتی با عنوان «اصلاح‌طلبی و مسئله بقا» به چند مورد از نقاط ضعف بنیادین موجود در جریان اصلاحات پرداخت و راه‌حل‌هایی نیز برای آنها ارائه داد. آن یادداشت با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد؛ زیرا حجاریان دو موضوع مناقشه‌برانگیز را مطرح کرده بود؛ نخست آنکه گفته بود اصلاح‌طلبان هنگام بروز اعتراضات اقتصادی باید سر خود را پایین نگه دارند تا احوانا با برخورد‌های قهری و سلبی مواجه نشوند. از سوی دیگر او در یادداشت پیشینش بر مشارکت مشروط در انتخابات تأکید کرده بود که خود منشأ انتقادهای بسیار شد. اکنون این فعال سیاسی در یادداشتی جدید به بخشی از انتقادهای پاسخ داده است که در ادامه متن آن را می‌خوانید.

انتشار یادداشت اصلاح‌طلبی و مسئله بقا چنان‌که انتظار می‌رفت، واکنش‌ها و پرسش‌های متعددی در پی داشت. طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت صاحب این قلم یکایک نقدها و بعضاً اتهامات را پاسخ گوید. به همین جهت به ذکر چند مورد بسنده می‌کنم.

بیم عدالت

سکوت و بعضاً چشم‌پوشی بخشی از جریان اصلاحات درباره مسئله معیشت و به‌طور کلی مقوله عدالت، انتقادات بسیاری را متوجه این جریان کرده است. در بخشی از یادداشت مذکور آمده بود، «اصلاح‌طلبان ضمن تمرکز بر عدالت به‌معنی‌الاعم، به‌تعبیری باید سر خود را پایین نگه دارند تا از این توفان به سلامت گذر کنند». این عبارت در زمره همان چشم‌پوشی‌ها صورت‌بندی شد. واقعیت آن است که اصلاح‌طلبی نمی‌تواند درباره عدالت بی‌تفاوت باشد؛ اما باید این مقوله را مانند نگاه افرادی مثل جان رالز -که کمابیش آن را در مقاله «مبادیان عدالت انسانی» توضیح داده‌ام- به لحاظ ساختاری تمهید کرد و ضمن آن فاکتورهایی مانند قانون عادلانه، مبارزه با فساد سیستماتیک، نحوه بازتوزیع و... را پی گرفت؛ اما چرا در این حوزه، «خیابان»، از دستور کار اصلاح‌طلبی خارج است؟ چنان‌که مشاهده می‌کنیم، گروهی از مردم به منظور وصول مطالبات‌شان، بعضی به جهت بازپس‌گیری اموالشان، عده‌ای در اعتراض به تعویق تحویل خودروی ثبت‌نامی‌شان، برخی در راستای تحقق مطالبات صنفی‌شان و... در یک نگاه تک‌علتی می‌توان همه این موارد را در ناکارآمدی دولت خلاصه و بحث‌های نظری و عمیق را تعلیق کرد و حکم به «ماندن در خیابان» داد؛ اما تجربیات مدیریت اعتراض حاکی از آن است که می‌توان برخی را پیش از حضور در خیابان تطمیع کرد و در مقابل سایرین، چهار عمل اصلی (جمع و ضرب و تفریق و تقسیم) را به کار گرفت و بدون خون‌ریزی و هزینه‌دادن غائله را ختم کرد. چنان‌که آمار رسمی و شنیده‌های غیررسمی از قلت زندانبان معیشتی و کُرت سایر زندانیان حکایت می‌کند؛ پس می‌توانیم نتیجه بگیریم آمر زندانیان معیشتی، در حداقل میزان خود قرار دارد. حتی، متولیان امر «ناراضی معیشتی» را به «زندانی معیشتی» ترجیح می‌دهند و آن را از جمله شانه‌های ضعف قوه مجریه تلقی می‌کنند؛ اما در همین شرایط،

سیاست

تکمله سعید حجاریان بر یادداشت اصلاح‌طلبی و مسئله بقا

اپوزیسیون ملی و غیرملی؟



سعید حجاریان در نشست خبری

همچنان‌که سال‌ها قبل، شاپور بختیار -که خود را ایرانی، مصدقی و سکولار می‌خواند- بازی مشابهی در پیش گرفت و به دامن دشمنان ایران غلتید و براساس توضیحات محمداقبر بنی‌عمری در کتاب «قیام ۱۸ تیر نقاب» از دریافت کمک دشمنان ایران، دریغ نکرد. اکنون، با سنتر ملی-آمریکایی و ملی-سعودی و حتی ملی-اسرائیلی مواجه شده‌ایم. در چنین شرایطی، یگانه راه ملی‌شدن اپوزیسیون غیرملی، مراجعه به کنسولگری واخذ پاسپورت ایرانی یا لاقل کوششی عیان در این جهت است تا در پرتو آن، تفکیک رسمی میان اپوزیسیون ملی و غیرملی صورت بگیرد. در همین بحث، از ضرورت وجود «رهبر» در میان اپوزیسیون سخن به میان آمد و این امر به بازتولید استبداد فردی ترجمه شد. طبیعتاً می‌توان رهبری اپوزیسیون را به سازمان رهبری تغییر داد اما این امر -در صورت اجماع گروه‌های اپوزیسیون- نافی دعوا نیست زیرا شواهد از رهبری‌طلبی و جدال حکایت می‌کند و اپوزیسیون در حسرت تشکیل سازمان رهبری روز را به شب می‌رساند.

سوم:تحول‌خواهی

در میان نقدها، یکی از ناقدین که برایشان احترام قائل هستم، فرمودند: «اصلاح‌طلبان بخشی از نیروهای سیاسی ایران هستند اما در نقد و بازسازی خود در «سطح» باقی می‌مانند و به عمق نمی‌روند. آنان نه در «هدف» و نه در روش که مشخص‌کننده گرایشات اصلاح‌طلبی و براندازی و تحول‌خواهی است، تغییری نکرده‌اند و بدون این تغییر، بالابردن پرچم تحول‌خواهی به‌جای اصلاح‌طلبی بیشتر از بیان یک تغییر، یک خطای اخلاقی و سیاسی مبتنی بر یک تقلب خواهد بود». پس از مواجهه با این جمله، به‌یاد واقع‌های افتادم که چند سال پیش برایم اتفاق افتاد. منا بنا بود به‌همراه خانواده به دیدار صاحب‌دلی برویم؛ دخترم از اینکه نزد او بیاید، امتناع داشت و می‌گفت اهل معنا ما فی الضمیر ما را می‌خواند. از او خواستم بیاید و این مسئله را با خود آن شخص مطرح کند. به منزل ایشان رفتیم و من عبارت دخترم را بازگو کردم. او گفت، «ما سارق

بررسی اما و اگرهای اصلاح قانون اساسی

تقدم مجلس یا ریاست‌جمهوری؟

در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه‌ونهم در همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای همه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی، اهداف جمهوری اسلامی ایران، جمهوری‌بودن حکومت، ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر‌ناپذیر است.

قانون اساسی نیازمند اصلاح ساختاری است

با توجه به صراحت اصل ۱۷۷، اعضای تشخیص مصلحت نظام نقشی کلیدی در آغاز برنامه بازنگری در قانون اساسی بر عهده دارند. پای صحبت‌های غلامرضا مصباحی‌مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که از مدافعان اصلاح قانون اساسی است، نشستم. او در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داد: تقریباً ۳۰ سال از آخرین بازنگری در قانون اساسی می‌گذرد و امروز در شرایطی قرار داریم که باید در مباحث قانون اساسی تغییراتی انجام‌شود. از نگاه بنده، قانون اساسی نیازمند اصلاح ساختاری است تا مدیریت کشور سهل و آسان شود؛ زیرا فاصله عمیقی میان سیاست‌گذاری‌ها و میدان عمل وجود دارد. مصباحی‌مقدم در پاسخ به این پرسش که تغییر ساختاری در راستای بهبود دراین‌باره نیز بسته است؛ بنابرین چه مواردی خواهد شد؟ گفت: درحال‌حاضر سناریوی «دوجلسی مطرح شده است؛ یعنی به‌موازات مجلس شورای اسلامی، مجلس دیگری مانند مجلس سنا ایجاد شود تا مجلس شورای اسلامی در ارتباط با عامه مردم بوده و نگاهی محلی به موضوعات داشته باشد و مجلس سنا نگاهی ملی به موضوعات داشته باشد.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در واکنش به این انتقاد که «ایجاد اصلاحات ساختاری چون ایجاد مجلس موازی درحالی‌که هم اینک مجمع تشخیص مصلحت نظام هست یا نگاه استصوابی شورای نگهبان وجود دارد به نوعی چندباره کاری خواهد بود» خاطرنشان کرد: قانون اساسی حدود وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر ارگان‌ها را مشخص کرده است؛ بنابراین وقتی از مجلس دوم صحبت می‌شود مجلس دارای توازنیت ساختاری در راستای بهبود قانون اساسی در بازنگری، صلاحیت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام را افزایش دهد تا نیازی به مجلس دوم نباشد و میدان وسیع‌تری برای این مجمع در نظر گرفته شود. مصباحی‌مقدم در ادامه با پیشنهاد گنجاندن مقام نخست‌وزیری در قانون اساسی نیز توضیح داد: در قانون اساسی ما قبل از بازنگری سال ۶۸ مقام نخست‌وزیری را داشتم و مقام رئیس‌جمهوری تشریفاتی و هماهنگ‌کننده امور سه قوه بود و کمترین چالش با رؤسای جمهور وجود نداشت بنابراین معتقدم برگشت به وضعیت سابق برای نظام بهتر خواهد بود.

نیستم». می‌خواهم به ناقد محترم بگویم، ما سارق نیستیم و مصادره متقلبانانه واژگان را نیز مقبول نمی‌دانیم. من در یادداشت مذکور ذیل رویکرد فعالیت تمام‌قد اصلاح‌طلبان اشاره کردم آنها باید روندها و چشم‌اندازها را به‌زبان قابل فهم تحلیل و ترجمه کنند و ذیل آن نقش، جایگاه و کارکرد خود را به‌عنوان نیروی تحول‌خواه تعریف کنند. به اعتقاد من، اصلاح‌طلبی یا به‌تعبیر دقیق‌تر هر اصلاح‌طلب باید سه مرحله را طی کند و سپس خود را اصلاح‌طلب بخواند. اولین آن مراحل براندازی است؛ این مرحله معطوف به شخص است چنانکه در ادبیات دینی‌مان می‌خوانیم، موتو قبل آن موتوا یا حاسوا انفسمک قبل ان تحاسبوا. براندازی، یعنی به‌میرید پیش از آنکه میرانده شوید. همچنان‌که در موضوع هسته سخت اصلاحات از مراحل چندگانه و آزمون تمحیص سخن گفتم. چنانکه می‌دانیم، یادداشت اصلاح‌طلبی و مسئله بقا در حال‌وهوای نوروز منتشر شد و من در دل آن مطلب، برای حال و روز اصلاح‌طلبی دعا کردم که تحولی رخ دهد و به مرتبه احسن‌الحال نائل و در نهایت، به صفت جمعی تحول‌خواه شوند؛ به آن معنا که رهبری و سازمان و همچنین تاکتیک و استراتژی اصلاحات متحول شود؛ البته بر واژه رسیسترشده تحول‌خواهی اصرار نمی‌ورزم و تغییرخواهی یا حتی تطورخواهی را جایگزین آن می‌کنم. پس از طی دو مرحله براندازی نفس و تغییر جمعی -که اتفاق در آیاتی نظیر «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» به آن اشاره شده است- اصلاحات بیرونی ممکن خواهد شد و اصلاح‌طلبان قادر خواهند بود بر جامعه خود و نیز ساخت قدرت تأثیر بگذارند.

چهار: مشارکت مشروط

شماری از نقدها بیانگر یک پرسش اساسی بود: «اصلاح‌طلبان برای چه کسی شرط می‌گذارند؟» بر مبنای همین پرسش، مشارکت مشروط به عنوانی غیرعقلانی و انتزاعی تفسیر شد. واقعیت آن است، در مقطعی که دست‌اندرکاران انتخابات در خلوت و جلوت، علاوه بر قوانین منصوص از شروط تکمیلی سخن می‌گویند، طرح مشارکت مشروط عجیب به‌نظر نمی‌رسد. تجربه ادوار اخیر مجلس، از ضعف جدی پارلمان حکایت می‌کند و تعدد فیلترها پیام مثبتی به ما مخابره نمی‌کند. از این رو باید گفت سویه اول مشارکت مشروط اصلاح‌طلبان نه معطوف به خود و حضورشان در قدرت، بلکه از سر دغدغه برای تشکیل پارلمان قوی و غنی در راستای منافع مردم است. هرچند نباید از سویه دوم که همان فیلترزاسیون اصلاح‌طلبان باشد، غافل شد تا در پرتو آن راه قدرت‌طلبی و رانت‌خواری در پوشش اصلاح‌طلبی مسدود شود. البته در این میان، وجود و کارکرد پارلمان به‌دلیل تناقضات و تعارضات به‌طور جدی محل پرسش قرار گرفته است و شاید، تمهید حاکمیت یگانه و پایان‌دادن به این معضل، از معبر استعفای رئیس‌جمهور و برگزاری هم‌زمان دو انتخابات در اسفند ماه سال جاری بگذرد تا نتیجتاً، مجلس و دولتی همسو مصدر امور قرار بگیرند.

خبر

حسین سبحانی‌نیا:

احمدی‌نژاد را ثمره هاشمی و باهنر دعوت کردند

● **ایرنا:** حضور محمود احمدی‌نژاد در افطاری جامعه اسلامی مهندسین با واکنش مواجه شد. یکی از حاضران می‌گوید احمدی‌نژاد از سوی محمدرضا باهنر و ثمره هاشمی به افطاری دعوت شده بوده، اما این به معنای بازگشت اصولگرایان به احمدی‌نژاد نیست. حسین سبحانی‌نیا، نماینده اسبق اصولگرای مجلس، درباره افطاری روز پنجشنبه جامعه اسلامی مهندسین و حضور حاشیه‌برانگیز احمدی‌نژاد به ایرناپلاس گفت: «حضور آقای احمدی‌نژاد در این جلسه، به معنای بازگشت اصولگرایان به احمدی‌نژاد و تحلیل‌های این چنینی نیست. از آنجایی که آقای احمدی‌نژاد در گذشته به‌عنوان عضو این جامعه یا از کسانی بوده که بآ آن در ارتباط بوده و علاوه بر این، در مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با آقای باهنر همراه است، به این مراسم دعوت شدند». سبحانی‌نیا در واکنش به توییت علی‌اکبر جوافکر مبنی بر اینکه دعوت احمدی‌نژاد به افطاری به معنای اذعان اصولگرایان منتقد به اشتباهات‌شان است، تصریح کرد: «آقای جوافکر اشتباه می‌کند و این تحلیل نادرست است. آقای باهنر جزء منتقدان ایشان بوده و اگر دعوتی هم شده باشد، به معنای اذعان به اشتباهی نیست. معمولاً اطرافیان پرشور آقای احمدی‌نژاد چنین تحلیل‌های اشتباهی می‌کنند».این اصولگر در پاسخ به این پرسش که واکنش حاضران در جلسه به حضور احمدی‌نژاد چه بود، توضیح داد: «موقع آمدن، واکنش‌ها خیلی عادی بود. ایشان عادی آمدند و آقای باهنر که صف اول نشسته بودند، بلند شدند و آقای احمدی‌نژاد ششتم من عکس‌العمل خاصی از ناحیه کسی ندیدم؛ فقط دو، سه نفری که دوروبر ایشان نشسته بودند، یالله گفتند».او در پاسخ به این پرسش که آیا احمدی‌نژاد در دیگر جلسات اصولگرایان نیز حضور داشته یا دارد، اضافه کرد: «نه؛ بعدی می‌دانم. روز قبل از مراسم افطاری، آقای احمدی‌نژاد به مجلس تحريم پدر آقای ثمره هاشمی رفته بود و در آنجا آقای باهنر نیز چون با آقای هاشمی‌ثمره نسبت فامیلی دارند، حضور داشتند. دعوت هم از سمت آقای ثمره هاشمی و باهنر بوده است؛ چراکه آقای ثمره هاشمی در مراسم افطاری هم حضور داشتند و با آقای احمدی‌نژاد باهم سر سفره قرار داشتند. عده‌ای می‌بدون توجه به او رفته».سبحانی‌نیا در ادامه گفت: «گفته‌اند استقبال گرمی از حضور احمدی‌نژاد شده است، اما چنین نبود. من نزدیک بودم و عکس‌العملی به حضور ایشان ندیدم. فقط در فاصله افطار تا شام، عده‌ای از افراد عادی که چهره سیاسی هم نبودند، آمدند و با آقای احمدی‌نژاد عکس گرفتند و حال و احوال کردند. شاید این کار را استقبال گرم برداشت کرده‌اند».

رئیس کمیسیون امنیت ملی:

ترامپ راهبرد نظامی برای مقابله با ایران ندارد

● **ایسنا:** رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس درباره رفتارهای اخیر آمریکایی‌ها گفت: واقعیت آن است که عملاً آمریکایی‌ها آخرین ابزارهای تحریمی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته‌اند. پیش از این، ترامپ ضرب‌الاجلی را تا ۲۲ تیر بهمن مشخص کرد و حتی می‌گفت آن زمان ایران پای میز مذاکره آمده و اعلام می‌کرد ایران با شکست مواجه می‌شود که نتیجه نگرفت و سعی کرد قالب نظامی به تهدیدهای خود بدهد. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه ادامه داد: در زمان اعزام ناو هوایماپر آبراهام لینکلن، توافقی بین ترامپ و بوتلین وجود داشت که بعد از آن ترامپ سعی کرد تنش‌زدایی را در دستور قرار دهد و مانع شکل‌گیری ادبیات نظامی بین ایران و آمریکا شود؛ چون اساساً راهبرد نظامی‌ای برای مقابله با ایران ندارد. راهبرد ترامپ تحریم بود؛ چون کارش اقتصادی است و فکر می‌کرد با تحریم می‌تواند ایران را پای میز مذاکره بکشاند. او افزود: ترامپ برای جانشین‌های کوچک‌تر نیز راهبرد نظامی ندارد. او تلاش می‌کند با مدیریت تحولات از شکل‌گیری ادبیات نظامی در مناسبات ایران و آمریکا پرهیز کند.

ورود کمیسیون فرهنگی برای تنظیم بازار کاغذ

● **ایستنا:**یک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با اشاره به ضرورت مدیریت بازار کاغذ گفت: بر اساس میزان کاغذی که بین دو وزارتخانه فرهنگ و ارشاد و صنعت، معدن و تجارت جابجایی شده است، با سهمیه‌هایی که تخصیص داده شده، بنا بر گفته معاون‌اول رئیس‌جمهور، بسیاری از این کاغذها که وارد شده‌اند به دست ناشران نرسیده است. سیداحسان قاضی‌زاده‌هاشمی افزود: این کاغذها یا در جایی دیو شده است یا هر اتفاقی که برای آنها افتاده، باعث تأثیر ریزی قیمت کتاب‌ها شده است. با توجه به وضعیت موجود در بازار کاغذ و از آنجا که این وضعیت حاصل تصمیمات اجرایی درون ارگانی در خانواده وزارت ارشاد است و سعی کردند از هر نوع نظارت به دور باشند، قطعاً مجلس با جدیت در موضوع کاغذ ورود پیدا خواهد کرد و ما تصمیماتی جدی برای تنظیم بازار کاغذ اتخاذ خواهیم کرد.